

واقیعی که دستگاه نوحاسته خلافت خود را با آن روبرو میافت این بود که با از سرگرفته شدن سنت دیرینه دشمنی ها و جنگهای قبیله ای - که بر اثر نفوذ و حیثیت شخصی محمد موقتا متوقف شده بود - هر لحظه امکان تجدید ناآرامی ها، بخصوص با توجه به نارضایی عمومی از پرداخت خمس و زکوه که آیین تازه بدانان تحمیل کرده بود، وجود داشت، مگر اینکه راهی برای منحرف کردن حرارت جنگجویانه اعراب در شرایط دشوار اقتصادی که مثل همیشه دچار آن بود که از همان آغاز مورد توجه طبقه حاکمه ای که با تشکیل دولت یکپارچه اسلامی در شبه جزیره عربستان روی کار آمده بود - و شاخص ترین چهره ای آن ابوبکر و مخصوصا عمر بودند - قرار گرفت.

عملیات آرام سازی خالد بن ولید عربستان را تنها چند ماه پس از درگذشت پیامبر تبدیل به یک اردوگاه مسلح کرده بوده، و جنگجویان خلافت نوحاسته مدینه را با تکنیک ها و تاکتیکهای جنگی تازه ای آشنا کرده بود که میتوانستند در جاهای دیگر نیز بکار گرفته شوند، زیرا روحیه ستیزه جویی این جنگجویان الزاما میبایست مسیرهای تازه ای برای پابرجا ماندن خود بیابد. این عاملی بود که درست در همان سالهایی که موج تاخت و تاز عربها بسوی ایران ساسانی به حرکت در آمد قبایل جنگجوی ژرمن را نیز بجانب امپراتوری رم سرازیر کرد، و نباید نادیده گرفت که انگیزه های این هر دو هجوم که به فروپاشی دو امپراتوری کهن شرق و غرب انجامید انگیزه هایی مشابه بود.

بن مایه :

پس از هزار و چهارصد سال  
دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>  
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>